

ایران و چین

بررسی قیمت تمام شده محصولات در

بخش آخر

دکتر مرسل صدیق - مدیر عامل شرکت پارس شپیر

ج : جمع بندی نهائی

تمام کشور توانمند دارای صنعت و تکنولوژی پر قدرت هستند بقیه توانمند یهای اجتماعی - فرهنگی - سیاسی به تیج آن حاصل میشود. برای نجات جامعه و جلوگیری از سقوط صنعت (موتور محرکه جامعه) باید موارد زیر تحت کنترل شدید و دیکتاتور مآب مسئولین و دلسوزان جامعه قرار گیرد .

- ۱- جلوگیری از افزایش قیمت مواد اولیه بوسیله شرکت های دولتی که به سود های باد آورده کلان دست می یابند .
- ۲- جلوگیری از افزایش بی رویه دستمزد ها بوسیله وزارت کار بعنوان یک حربه تبلیغاتی - سیاسی برای مدیران وزارت کار و فعالان سیاسی
- ۳ - حذف عوارض ۳٪ از فروش از هر تولید کننده و در صورت لزوم اخذ آن فقط یک بار از یک تولید کننده یا از مصرف کننده نهائی

۴ - کاهش بهره بانکی و جلوگیری از غارت ملت و واحد های تولیدی بوسیله بانکها

۵ - کاهش تعطیلات به حداقل ممکن - اصلاح قوانین کار بمنظور افزایش راندمان نیروی کار

بخصوص قوانین ایزائی - اصلاح مدت مرخصی ۳۰ روز در مقابل ۲۵۰ روز کار سالیانه - اصلاح پرداخت ۳۰ روز

سنوات در مقابل ۲۵۰ روز کار سالیانه و پرداخت آن توسط دولت

۶ - حمایتهای تعرفه ای کوتاه مدت برای عبور از بحران تا رسیدن به زمینه تولید رقابتی با توجه به عوامل پیشین گفته .

ردیف	بخش تاثیر گذار	ایران	چین
۱	بخش دستمزد ضریب هزینه	۶/۳ نسبت به پایه	۱/۲
۲	دستمزد پایه	۱۰۶۶۰۲۰ ریال	۱۱۰۰۰۰۰ ریال متوسط نسبت به پایه
۳	بخش مواد اولیه افزایش	۵۰ تا ۷۰ درصد	۵ تا ۱۰ درصد
۴	بخش مالیات	۲۵ درصد	۱۱ درصد
۵	عوارض بر فروش اگر در زنجیره ۳ یا ۴ تولید کننده قرار گیرد	۳ از فروش	ندارد
۶	تعطیلات اعلام شده	۷۵ روز	۲۲ روز
۷	تعطیلات پنهان بین تعطیلی ها و بهانه جوئی ها	۱۵	ندارد
۸	راند مان	۶۰ تا ۷۰ درصد	۸۰ تا ۹۰ درصد
۹	قیمت تمام شده محصول فرضی A	۱۰۰	۵۰ تا ۶۰

۱ - کار علمی مدیران :

مدیران واحدها نهایت کوشش خود را برای اداره مطلوب سازمان بکار ببرند به روشهای علمی بیشتر تکیه کنند و با علم و آگاهی کامل سازمان خود را اداره کنند از کارمندان و پرسنل تحصیلکرده که دارای توان تجربه و تحلیل مسائل را دارند استفاده نمایند . در سالهای آغازین سده میلادی گذشته یکی از دانشمندان طراز اول اروپا به درستی اظهار داشته است که : پیشرفت اروپا را نباید ناشی از پیشرفت علم دانست زیرا پیشرفت اروپا ناشی از بکارگیری روشهای علمی می باشد . روشهاییکه با وجود تفاوت از یکدیگر در عمل نتیجه یکسان بدست می دهند و از اینرو روشهای علمی نامیده می شوند.

۲ - افزایش راندمان :

مدیران باید کوشش کنند با استفاده از علوم و روانشناسی رفتاری و سایر علوم انسانی راندمان نیروی کار خود را توانمند سازند مدیران خود را تقویت کنند سرپرستان را تقویت کنند با سطح کارگری در تماس مستمر باشند و به روشهای نوین و تکنولوژی مدرن مجهز شوند تا بتوانند حداکثر راندمان مفید را بدست آورند. مهندسی مجدد با روش اصلاح مستمر سازمان از نیازهای حیاتی هر واحد تولیدی شده است از سطح مدیریت های مختلف تا سطوح کارگری دائماً باید بررسی و اصلاح شود. ایستگاههای کاری هر یک بطور خاص بعنوان یک واحد مستقل زیر ذره بین قرار گیرند و اصلاح شوند. نیرو باید اصلاح شود _ ابزار کار باید اصلاح شود _ روش ها باید اصلاح شوند تا راندمان محتوی مورد نظر بدست آید .

۳ - تثبیت قیمت مواد :

مدیران واحدهای تولیدی باید در تشکل ها جمع شوند همفکری و همیاری متقابل و هم افزا بوجود بیاورند با دولت و مسئولین در تماس مستمر باشند تا از افزایش بی رویه مواد اولیه که در اختیار و مالکیت دولت است جلوگیری شود با تامل و همکاری منطقی را پیشه کنند.

۴ - کاهش تعطیلات :

مدیران تولید باید از طریق تشکل ها مشکل تعطیلات را بطور جدی با مدیران جامعه با تصمیم گیرندگان جامعه در میان بگذرانند مضرات آن را روشن نمایند تا این سیستم اصلاح شود .

در طی سال از ۳۶۵ روز ۷۵ تعطیلات ۵۰ روز کار نمی کند ولی سنوات می گیرد. ضمن اینکه تمام مزایای مدت تعطیلات را هم می گیرد. ضمن اینکه تمام مزایای مدت تعطیلات را هم می گیرد . حق کارآموزی به دولت پرداخت می گردد عوارض پرداخت می گردد . ۲۳٪ حقوق برای بیمه پرداخت می گردد ولی راندمان یا نتیجه حاصل نمی شود . ریشه فاجعه در چنین تفکراتی است که در هنگام تدوین قانون کار بر جامعه حاکم بوده است .

۵ - اصلاح عوارض و جایگزینی روش منطقی بجای تجمیع عوارض ۳٪ :

۱٪ شهرداری و ۲٪ آموزش و پرورش زمانی اختراع شد که جامعه دچار بحران زمان جنگ بود . واردات انجام نمی شد در بازار داخلی قیمتها بالا بود ند و تولید کنندگان سود کافی داشتند و در یک بازار بسته می شد که ۳٪ را از مصرف کننده اخذ نمود اینک که بازار آزاد شده و رقابت به حد اعلائی خود رسیده در بسیاری از موارد امکان اخذ این وجه از مصرف کننده وجود ندارد و بر گرده تولید کننده سنگینی می کند حتی مسئولین آن را بصورت مالیات وسیله وزارت دارائی دریافت می کنند که در تحلیل قبلی گفته شد که حدود ۹ تا ۱۲ درصد سطح مالیات را بالاتر می برد و فاصله سقف مالیات را بالاتر می برد و فاصله سقف مالیات را با کشورهای دیگر بیشتر می کنند . نتیجه سخن اینکه چنین مالیاتی وسیله وزارت دارائی به هیچ وجه نباید اخذ شود و تولید کننده هم مستحق پرداخت آن نیست.

پایان سخن اینکه در دنیای پر تنش امروز که صحنه چالشهای بی امان بین تولید کنندگان در سراسر جهان است مدیران واحدهای صنعتی با استفاده از روشهای علمی باید سازمان خود را سر و سامان بدهند و به وضع بهینه و قابل رقابت برسانند و مهمتر آنکه در تشکل های صنفی گردهم آیند و مشکلات مشترک و عمومی را بطور جمعی از طریق انجمن ها و تشکل ها حل و کاهش دهند.

حداقل حقوق در ایران ۱۰۶۶۰۲۰ ریال است که سایر مزایا نیز بدان اضافه می شود در حالیکه در چین ۱۲۰۰ یو آن در نظر گرفته شده (۱۲۰۰۰۰۰ ریال) در حالیکه حداقل دستمزد بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ یو آن در نوسان است و الگوی ما یک واحد تولیدی به نسبت بزرگ با امتیازات خاص است .

علاوه بر مسائل قیمت مواد اولیه و دستمزد نیروی کار هزینه های دیگری همچون تجمع عوارض ۳ درصد از فروش بر گرده تولید کننده فشار وارد می آورد هر چند ظاهر این ۳ درصد اینست که باید از خریدار وصول گردد معهدا در بازار رقابت مطلقاً نمی توان چنین وجهی از خریدار دریافت کرد و این ۳ درصد در فروش را تولید کننده از جیب خود می پردازد .

تصور نمائید قیمت تمام شده کالائی عدد ۱۰۰ است تولید کننده عدد ۱۰/۱ بعنوان سود اضافه می نماید و به عدد ۱۱۰ باید بفروشد . اگر ۳٪ آن را عوارض بپردازد به ۷/۱۰۶ تغییر می یابد یعنی ۷/۶ درصد اضافه نموده و بعنوان سود در نظر گرفته است که بفرص مطلق بودن باید ۲۵٪ آن را مالیات بپردازد که به ۵ تغییر می یابد . در عالم رقابت حاشیه رقابت را ۳ درصد تنگ تر می کند.

چنانچه بطور متوسط در یک واحد تولیدی بتوان هر ۴ ماه یکبار نقدینگی را به گردش در آورد در طی سال ۳ بار نقدینگی گردش داشته باشد یعنی نقدینگی به کالا تبدیل و فروش برسد بار باید ۳٪ عوارض پرداخت می گردد حدود ۹ می شود که این رقم به اصل مالیات ۲۵٪ حداقل اضافه می گردد و ۳۴٪ میشود .

اگر بتوان ۴ بار به گردش در آورد عدد ۱۲=۴×۳ به ۲۵ اضافه می شود و ۲۷٪ مالیات پرداخت می گردد.

مسئله مهم: در چین افزایش حقوق سا لیانه را دولت دخالت نمی کند و بطور متوسط حدود ۵٪ افزایش حقوق در یک سال در برخی طبق توافق بین نیروی کار با کار فرما انجام می شود .

مالیات در ایران ۳٪ تجمیع عوارض حدود ۳۷٪ است در حالیکه در چین برای صادرات ۱۳٪ است
در چین شنبه و یکشنبه روزهای تعطیلات نیرو مشغول کار است که ارزش افزوده ایجاد می کند در حالیکه در ایران نیرو در روزهای تعطیل تمایل بکار ندارد.

اداره بهداشت کار که خود یک اداره درون واحدهای تولیدی است و بسیار پر هزینه و پر درد سر است در چین وجود ندارد.

۴-۲ چه باید کرد؟ پیشنهادات

ممکن است تا مدتی وضع تعرفه های بالاتر قیمت کالا ی وادراتی بیشتر تمام سود و اندازه ای به رقابت کمک کند اما در زمانیکه ایران حوزه سازمان تجارت جهانی بشود باید بروی موارد زیر توجه کافی مبذول داشت:

